

شب‌های سفید بیمارستان و مجابی

«بازگشایی نشست‌های مغزپژوهی (نوروساینس) اجتماعی در

بیمارستان ایرانمهر هم‌زمان با نمایشگاه نقاشی «شب‌های سفید بیمارستان و من» صرفاً یک هم‌زمانی ساده نیست. جواد مجابی سال‌ها از هم‌راهان و مشارکت‌کنندگان این نشست‌ها بود و درباره تانگی، بدن‌مندی و نسبت هنر و تجربه زیسته سخن می‌گفت. اکنون آثار دوران بستری او در بیمارستان، فرصتی کم‌نظیر فراهم کرده‌اند تا همان مفاهیم از منظری مغزپژوهانه، پدیدارشناسانه و بیناسوژه‌ای دوباره مورد تأمل قرار گیرند. از این رو، جلسه ۳۰۲ نوروساینس اجتماعی به بررسی تجربه زیسته سندرم غفلت نیم‌کره راست مغز، تداوم خلاقیت و بازآفرینی جهان در آثار بیمارستانی مجابی اختصاص یافته است؛ آثاری که نشان می‌دهند انسان را نمی‌توان به مغز یا ناخوشی و بیماری فروکاست، بلکه باید او را در افق بدن، دیگری و جهان زیسته فهمید.» شاید جواد مجابی این شب‌های پر بیم و امید را شب‌های سفید نامیده است، زیرا بیمارستان برای او فقط محل بیماری نبود؛ جایی بود که جهان از نو بر صفحه‌های سفید ظاهر می‌شد. شب‌هایی که در آنها اضطراب و امید، آسیب و آفرینش، هستی و نیستی در کنار هم حضور داشتند. سفیدی این شب‌ها، نه نفی تاریکی، بلکه نشانه باقی‌ماندن انسان، در آستانه آسیب‌پذیری، دوباره معنای «موجودبودن» را کشف می‌کند. در نگاه نخست، عنوان «شب‌های سفید بیمارستان و من» بر فردیت تأکید می‌کند. اما این من، من‌زوی و خودبنیاد نیست. از منظر پدیدارشناسی و مغزپژوهی (نوروساینس) اجتماعی، این من حاصل یک عمر رابطه، زبان، دوستی، هنر و

بیناسوژگی است. شاید بیماری یا ناخوشی مجابی او را واداشته است که دوباره به بنیادی‌ترین پرسش بازگردد: من کیستم، وقتی بخشی از بدن و جهانم دگرگون می‌شود؟ در این معنا، «من» حضور «ما» در زندگی یک انسان است، و به گمان من این تعبیر با خود نقاشی‌ها نیز

سازگار است؛ زیرا در آنها هرجا «من» ظاهر می‌شود، اشیا، گیاهان، جانداران، چهره‌ها، کلمات، خاطره‌ها و دیگری‌ها نیز در کنار او حضور دارند. این «من» هرگز تنها نیست، حتی وقتی در یک اتاق بیمارستان نشسته باشد. در ادبیات، شب‌های سفید اغلب شب‌های رؤیا و بیداری بوده‌اند، اما در آثار مجابی، شب‌های سفید به شب‌های بیمارستانی تبدیل می‌شوند؛ شب‌هایی که در آنها نه‌فقط خواب از انسان گرفته می‌شود، بلکه بسیاری از یقین‌های او نیز فرو می‌ریزند. بااین‌حال، همان شب‌ها به محل ظهور نقاشی، شعر و آفرینش نیز بدل می‌شوند. از منظر پدیدارشناسی، خویشستن چیزی ثابت و شفاف نیست. ما هرگز به‌طور کامل با خودمان منطبق نمی‌شویم. خود، همواره در فاصله‌ای از خویش، در رابطه با دیگران و در دل تجربه زیسته شکل می‌گیرد. شاید به همین دلیل است که در عنوان «شب‌های سفید بیمارستان و من»، واژه «من» نه نشانه یک هویت تثبیت‌شده، بلکه نام همان پرسشی است که ناخوشی و بیماری دوباره پیش‌روی انسان می‌گذارد: وقتی بدن، ادراک و جهان دگرگون می‌شوند، آن‌کس می‌گوید «من» کیست؟ و شاید این دقیقاً همان چیزی باشد که آثار مجابی را از یک مجموعه بیمارستانی فراتر می‌برد؛ آنها نه‌فقط درباره بیماری یا ناخوشی، بلکه درباره ابهام خلق خویشستن هستند. این ابهام نقص نیست؛ خود شیوه بودن انسان در جهان است. بنابراین، جلسه ۳۰۲ از دل یک کتاب درسی یا مقاله علمی آغاز نمی‌شود، بلکه از دل زندگی و تجربه زیسته یکی از هم‌راهان هنرمند دیرین خودمان زاده می‌شود. این دقیقاً همان چیزی است که مغزپژوهی (نوروساینس) اجتماعی از ابتدا می‌خواست به آن نزدیک شود.

ک پس از دل یک منع و تعطیلی تاریخی، شکل تازه‌ای از حمایت خصوصی پدید آمد؛ می‌شود گفت آن شکست نهادی، ناخواسته به تکثر حامیان هنر انجامید؟

جواد مجابی: بله، در اروپا حمایت دربار و پاپ بود. در ایران بخش مذهبی هیچ‌وقت خوشش نمی‌آمد، اما سلطنت خیلی حمایت می‌کرد. اتفاق خنده‌دار و در عین حال گریه‌آور این است که مغول‌ها، تیموریان و ایلخانیان که در ایران به قدرت رسیدند، چون مذهب نداشتند، در مذهب هنر به این صورت ممنوع است و گفتند ما که باید جهنم برویم، پس نقاشی کنیم. بهترین شاهکارهای نقاشی دنیا در عهد تیموری و دوره مغول‌هاست. سبک هرات و تبریز شاهکارهای معروف دنیا هستند. سایه مذهب در زمان مغول‌ها تا حدی کم‌رنگ شد که نقاشی ادامه پیدا کند. از ۱۷۴۰ دربار حمایتی از نقاشان نکرد. فتحعلی شاه خودش از نقاشی خوشش می‌آمد و حمایت کرد، اما محمدعلی شاه و احمد شاه نه. ناصرالدین شاه خیلی علاقه‌مند بوده است. آقای ناصرالدین شاه – اقا که می‌گویم به این علت است که فقط شاه نبود، به‌جای نشستن روی تخت، روی صندلی نشستند و مدرن بوده – هفت هزار تومان که پول مناسبی بوده، برای ساختن بلندترین عمارت تهران که شمس‌العماره بوده، هزینه کرده است. برای خطاطی کتاب هزار و یک شب که شامل سه هزار مینیاتور است و زیر نظر سمیع‌الملک نابغه بزرگ تهیه شده، هفت هزار تومان پرداخت کرده است. در کل تاریخ ایران شاهی نداریم که برای یک کتاب هفت هزار تومان، به اندازه یک قصر، هزینه کرده باشد. اینها باید یک بار دیگر بازنگری شود که قاجاریه خیلی خدمت کرده‌اند. حالا دو نفرشان مثل فتحعلی شاه بی‌عرضه بوده‌اند. مظفالدین شاه بالاخره فرمان مشروطیت را امضا کرده است. اما حیوان گستاخی مثل محمدعلی شاه هم داریم. کسی مثل احمد شاه را داریم که شیفته اروپابست و می‌رود و دیگر بر نمی‌گردد. به هر حال، از دوره پهلوی دوم لاجوردی‌ها و چند آدم پولدار، به توصیه ملکه آن زمان، مجموعه‌های نقاشی خریدند و حمایت کردند. بانک و مؤسسات مالی بزرگ هم همین‌طور. مجموعه‌های شخصی هم اهمیت داشت و خیلی‌کار خوبی بوده است. جایی بود که یک چوب‌دار که گوسفند می‌فرشد، هژبر بزدانی، تمام شاهکارهای نمایشگاهی را که زیر چاتاناکا در کالری خانم سیچون بود و خانم فرح هم افتتاح می‌کرد، خرید و هدیه کرد و بعد به موزه هنرهای معاصر فرستاده شد. اما اینها موقتی بود. آنچه اهمیت دارد و خواستنی‌تر توجه کنیم، این بود که شاه طهماسب حمایتش را از هنرمندان دریغ کرد. در سال‌های اخیر فقط هم در مورد نقاشی نبوده؛ هنر، ادبیات، فلسفه، تفکر و…؛ بیمارستان ایرانمهر به عنوان یک بخش خصوصی، یک مؤسسه علمی و درمانی است، اما شاملو در بدترین شرایطی که در بیماری‌اش بی‌پناه است، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. همین‌طور گلشیری و کسان دیگر. بنابراین جایی در این مملکت باشد که کار درمانی می‌کند و شما در موقع ضرورت بتوانید استفاده کنید و با اعتماد زندگی‌تان را تداوم ببخشند، در ایرانمهر انجام شده و ته دل هنرمندان ما قرص است که از طرف آنجا حمایت می‌شوند. اینکه بعد از ۴۰۰ –قرن هجدهم– یک مرکز درمانی که وظیفه‌ای در این زمینه ندارد، تابلوهایی نقاشی را برمی‌دارد و می‌گوید این بخشی از یک روند علمی و پژوهش است، مهم است. برنامه‌هایی آنجا به‌ویژه پیش از کرونا در مورد نوروساینس –عصب‌شناسی، علم مغز و عصب– بود که من هم در آن جلسات شرکت می‌کردم و با رئیس بخش، دکتر نجل‌رحیم که صحبت می‌کردم، گفت ما دو سال تورات عالی را قضایا را دنبال کردیم و تو الان خودت سوژه این قضیه شدی. من این قضیه را به فال نیک می‌گیرم؛ اینکه بعد از ۴۰۰ سال بخش خصوصی با حسن نیت و همت عالی این‌گونه نگاهی دارد. من آنجا آن آثار را برای دو مقصود گذاشتم: اول آنکه حقوق مادی و معنوی آثار را به بیمارستان دادم، چون آنجا کشیده شده‌اند و دوم اینکه دو نمایشگاه خواهد بود؛ یکی یک هفته ادامه خواهد داشت مثل هر نمایشگاه دیگری و دوم اینکه یک نمایشگاه دائمی باشد که هر زمان کنفرانس علمی باشد، محققان ببینند و متوجه شوند که بیمارستان فقط برای کار درمانی نیست و جنبه‌های فرهنگی هم می‌تواند داشته باشد. تصور می‌کنم با این کار قوت قلبی به هنرمندان ما، اعم از شاعر، مترجم، نویسنده، نقاش و موزیسین داده شود؛ چون هنرمندان ما گروهی بی‌پناه و جزء آسیب‌پذیرترین قشرها هستند که مشکلاتی متعدد دارند.

ک این مجموعه بیمارستانی را با چه ابزار و در چه قطع‌هایی کار کردید؟ **جواد مجابی:** کاغذهای ۱۰۰ در ۷۰ داشته‌م که قابل کنترل باشد و با مایژیک کار کردم.

البته گاهی هم با مواد مختلف کار می‌کنم. **ک** انتخاب مایژیک به خاطر سرعت، شدت رنگ و امکان کار در شب بود؟ **جواد مجابی:** بله؛ چون شب کار می‌کردم، رنگ تندتری دارد که آسان‌تر است. تمام کارهای قبل از بیمارستان با مدارنگی است.

ک ناستین مجابی گفتند طبیعی‌ترین هنر این مرد، نقاشی کردن است». آیا می‌شود گفت شما سال‌ها درباره نقاشی نوشتید، اما در بیمارستان دوباره به منشأ نخستین خودتان، یعنی خود نقاشی برگشتید؟

جواد مجابی: برادرم، حسین مجابی، از من نقاشی را یاد گرفت، من در روستا، خودآموخته نقاشی را یاد گرفتم. در روستا و آن زمان آدم از ملا یاد می‌گیرد.

ک از همان کودکی در روستا و الموت شروع کنیم؛ نخستین تصویر یا اثر هنری که واقعا در ذهن شما نشست چه بود؟

جواد مجابی: چمدان بزرگی در خانه داشتیم که زورنال‌های مد با چسب به داخل چمدان چسباندن شده بود. دیدم طراحی‌هایی از زن‌های لاغر قدبلند با لباس‌های عجیب و موهای افشان است. طراحی از زورنال‌های مد بود. یک کاغذی هم به اندازه کاغذ A4 چسباندن شده بود؛ نمی‌دانم از طرف چه کسی بود. فکر نمی‌کنم آشنای ما بوده باشد. اطراف ما که یکی از روستاهای قزوین اطراف الموت بود، اصلا هنرمند عبور نمی‌کرد. برایشان اصلا اهمیت نداشت. آن کاغذ، تصویر مردی بود که کشتزاری



را شخم می‌زد. در کل خانواده ما هنر، ادبیات و کتاب‌خواندن جایی نداشت. در فامیل مجابی اتفاق عجیبی افتاده؛ مجابی‌ها دو دسته هستند که از شیراز به قزوین آمده‌اند؛ ۸۰ درصدشان روضه‌خوان و ۲۰ درصدشان روزنامه‌نگار شدند.

ک یعنی در خانواده و محیط نخستین شما، سنتی از مطالعه، هنر و کتاب‌خوانی وجود نداشت و این مسیر را خودتان ساختید؟

جواد مجابی: اصلا. مجبور بودیم خودمان کاری کنیم. آن زمان البته می‌گفتم روزنامه‌نگار همان روضه‌خوان کنتی است، چون با مردم صحبت می‌کند. خطابه است. کار سعدی همین بوده که مجلس می‌گفته و خطبه می‌خوانده. سعدی، شیخ اشراق و بسیاری کسان، این دو شغل به موازات هم هستند.

ک امروز کدام‌یک برای شما ضرورت حیاتی‌تری دارد؛ نوشتن یا نقاشی؟ **جواد مجابی:** اصلا یک روز را هم بدون نوشتن نمی‌توانم بگذرانم.

ک امروز که بیشتر با کامپیوتر می‌نویسید، خود نوشتن برایتان سخت‌تر است یا فشار به نحوی دیگر روی کاغذ و نقاشی؟

جواد مجابی: با کامپیوتر کار می‌کنم. یکی از دلایلی که باعث شد ذهنم کمی مغشوش شود، این بود که رمان «اقلم عمدم» را که نوشته بودم، ناشر رنگ زد و گفت از ارشاد بابت کتاب به کلماتی گیر داده‌اند و خیلی عصبانی شدم و گفتم تا کی. نسل قبل از من، نسل من و سه نسل بعد از من حتی، این همه توهین را چرا باید تحمل کنند؟ این اتفاق ذهن من را به هم ریخت. البته نمی‌خواهم بگویم تنها دلیل بیماری رخ‌داده این بوده‌است، اما جنگ، مصیبت مردم و فشارهای زیاد هم هست. چرا نباید بتوانیم با هر کلمه‌ای که می‌خواهیم یک مقاله بنویسیم؟ چرا باید کلمات ممنوعه وجود داشته‌باشد؟ اقبالی می‌گوید نشاط داشته باشید. اولاً که در دستش نشاط است، دوما مگر بی‌خودی می‌شود نشاط داشت. نشاط پر پایه زندگی مرفه است. هیچ‌کس در این دنیای پر از فقر و مسکنت حق ندارد برای دیگری تعیین تکلیف کند.

ک این جنگ چه کردید؟

جواد مجابی: جنگ برای من خیلی غم‌انگیز بود.

ک در آن روزها از تهران خارج نشدید و همین‌جا ماندید؟

جواد مجابی: جایی نرفتم. اینجا امنیت بیشتری داشت. من می‌گویم این خانه دود شود، ما باشیم یا نه دیگر چه فرقی می‌کند، بگذار من هم همراهش دود شوم.

ک ماندن در این‌ خانه برایتان فقط یک تصمیم ایمنی نبود؛ انگار نوعی وفاداری به حافظه این خانه و دوستانتان هم بود؟ **جواد مجابی:** بله. همه دوستان من به اینجا آمده‌اند. مختاری، شاملو، اخوان و سعدی شب‌ها و روزها اینجا بوده‌اند. حالا من فلنگ را ببندم و جای دیگری بروم که جان پیر و فرسوده خودم را نجات بدهم؟ این همه جوان برومند نازنین نابود شدند و من لاشه کنده‌ی خودم را نجات بدهم.

ک با این نوع نگاه و با وجود این، کارتان بیشتر به سمت نوشتن رفته یا نقاشی؟ **جواد مجابی:** نوشتن بوده است. چهار هزار صفحه یادداشت دارم به نام «شوخیانه‌ها» که دو هزار صفحه در دسترس است و دو هزار صفحه را به نشر جاویدان برای چاپ داده‌ام و اگر اجازه بگیرد در عرض چند سال این هزار صفحه چاپ خواهد شد.

ک این «شوخیانه‌ها» در اسم شوخی‌اند، اما پشتشان سال‌ها کار، صبر و فرسایش و زندگی جدی خوابیده است؟

جواد مجابی: ۱۰، ۱۵ سال کمترین زمانی بوده که کتاب‌های من اجازه گرفته‌اما من آدم صبوری هستم. من این شانس را داشتم که هر روز ۴ عصر تا ۱۱ شب در روزنامه اطلاعات کار می‌کردم. من در ۳۲سالگی مشهور بودم؛ به حد کسی که ۵۰ جلد کتاب دارد. شاید باور نکنید که در نظرتز برای خریدی رفتم، خودم باور نداشتم ولی من را می‌شناختند.

پاسخی به اخلاق مراقبت

ک شهرت در آن دوره انکار زودتر حاصل می‌شد؟ **جواد مجابی:** بله، تعداد آدم‌ها کمتر بود.

ک و شاید آن شهرت عمق بیشتری نیز داشت؛ مخاطب نه‌فقط اسم نویسنده، که شان و کار او را هم دنبال می‌کرد؟

جواد مجابی: آن زمان همه چیز فرق می‌کرد. ما نزدیک به استاندارد جهانی کار می‌کردیم، نه با وضعی که الان پیش آمده. زمانی که ۳۲ساله بودم در کافه فیروز بودم که آقای اللهیاری گفت خواهش می‌کنم شعری از من در روزنامه اطلاعات چاپ کن. گفتم من این کار را نمی‌کنم؛ تو هم شاعر نمی‌شوی. شاعر نباید به کسی التماس کند، ما باید التماس کنیم شما یک شاعر بدهید. هر کسی باید شان حرفه خودش را داشته باشد. به براهنی التماس می‌کردند بنویسد. پهلوان، سپانلو و شاملو هم همین‌طور. این کار شکردهایی دارد؛ باید فعال باشید، کتاب‌هایتان را مرتب نشان بدهید. بعد از چند سال گفتم خوب چه اهمیتی دارد که من را در نظرتز می‌شناسند؟ پدرج من را هم می‌شناسند. مهم این است که برای این مملکت چه می‌کنم. من چه می‌گویم و به‌آزای این شهرت چه چیزی به دست می‌آورم. منظورم ثروت نیست.

ک اگر از امروز به عقب نگاه کنید، زیستن در میانه شعر، رمان، نقاشی، نقد و روزنامه‌نگاری را انتخاب می‌کردید یا تز جیب می‌دادید یک مسیر را متمرکزتر دنبال کنید؟

جواد مجابی: من نمی‌توانم در یک رشته بمانم. من ذاتا نقاشم. شاعرم و به شاعری افتخار می‌کنم. قصه‌نویسم و از عهده‌ای این کار برمی‌آیم. رمان می‌نویسم. دو، سه سال با دقت سه هزار صفحه نوشته‌ام. برای این کار حوصله دارم.

ک این استمرار روزانه، نوعی اعتیاد به نوشتن هم با خودش به همراه می‌آورد؟ **جواد مجابی:** بله. علتش این بود که من متفنن بودم. زمانی که روزنامه‌نگار بودم گاهی قصه می‌نوشتم و شعر می‌گفتم و کتاب چاپ می‌کردم. انقلاب که شد ما را بیرون کردند. خلاص‌اش اینکه گفتند این موجود بی‌صلاحیتی است و حق زندگی ندارد. گفتم من باید از فردا مثل کامو –نه در حد او، یا مثل کافکا که از ۸ تا ۱۲ می‌نویسد، بنویسم.

ک پس بعد از انقلاب، نوشتن را از تقفن به یک حرفه و شغل تمام‌وقت تبدیل کردید؟ **جواد مجابی:** فکر کردم من با این تقفن نویسنده نمی‌شوم، باید مثلا ۱۰ رمان بنویسم و وارد جامعه شود و اگر موفق نشدم، باختم‌ام. یک بازی است. کتاب‌هایم چاپ نشد و دچار فقر وحشتناک شدم. کم‌کمسیون نقاشی و هنری را که داشتم، فروختم و به غذا و دارو تبدیل کردم (با لبخند).

ک این تصمیم و آن فقر سنگین که از آن یاد می‌کنید، عمدتاً مربوط به دهه ۶۰ و سال‌های پس از انقلاب بود؟ **جواد مجابی:** بله. بین سال‌های ۶۰ تا ۷۰. از این بابت خوشحالم. زمانی که تصمیم به این کار گرفتم، ۴۰ هزار تومان در حساب من در روزنامه اطلاعات بود. آن زمان پولی که به روزنامه اطلاعات و کیهان می‌دادند، پول خیلی خوبی بود. به من ماهی ۱۵ هزار تومان حقوق می‌دادند و من این پول را نخواستم بدم. یک روز عباس مسعودی من را به اتاقش خواست. گفت تو چرا نمی‌گویی حقوق کم است و کمک نمی‌خواهی؟ گفتم چه کار کنم؟ گفت ما خسیس هستیم، نمی‌خواهیم پول اضافی بدهیم، باید معترض می‌شدی. حقوق‌ت را دو برابر می‌کنم. گفتم لطف می‌کنید. گفت چرا از آن‌کهی استفاده نمی‌کنید؟ آن زمان دبیر هر بخش اگر اکهی کار می‌کرد، می‌توانست درصد قابل توجهی از پول اکهی را بردارد، اما در بخش خودم کمتر اجازه می‌دادم اکهی کار شود. اکهی‌های آن زمان کمترینش ۱۰۰ هزار تومان بود. ۱۵ هزار تومان کجا، صد هزار تومان کجا، تازه من هفت هزار تومان می‌گرفتم، بعد از آن روز شب ۱۵ هزار تومان. اساس من این بود که طمع نکنم. گفتم جناب منصور، شما که می‌گویید چرا از اکهی‌ها پورسانت نمی‌گیری، فردا دیگر نمی‌توانم راحت حرف بزنم و برای مثال به تلویزیون حمله کنم. همان موقع‌ها بود که نوشتم فرهنگ و هنر مثل مسمارسی است؛ هر چیز قدیمی و کهنه‌ای را به فرهنگ و هنر می‌فرستد.

ک برهیز از پورسانت و اکهی برای شما نوعی حفظ استقلال حرفه‌ای و اخلاق روزنامه‌نگاری بود؟ **جواد مجابی:** البته الان این امکان برای نسل شما میسر نیست. بعد از انقلاب روزنامه‌نگار نداشتیم، سیاست‌مدارانی بودند که روزنامه‌نگار می‌شدند. مثلا وکیل مجلس بوده و روزنامه منتشر می‌کرده، در حالی که قبلا عکس این قضیه بود. آدمی مثل احمد احرار که در پاریس است، نفر دوم مؤسسه بود و با ۳۰ هزار تومان در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کرد. سناتورها به منزل او می‌رفتند، اما اکنون جریان مالی به‌گونه‌ای دیگر می‌چرخد.

ک یعنی روزنامه‌نگار در آن دوره آن‌قدر ششان اجتماعی و استقلال داشت که حتی سیاست‌مداران هم ناچار بودند به او احترام بگذارند و مراجعه برعکس بود؟

جواد مجابی: بله. شما با این پشتوانه زانات باز است. سیاست‌مدار وقتی چپ باشد اجازه نمی‌دهد شما راست باشید، اما برای روزنامه‌نگار فرقی نمی‌کند؛ خب دو نظر مختلف است. ورای دسته‌بندی حرف می‌زند.

ک امروز نسبت آزادی قلم، دستمزد و مسئولیت حرفه‌ای پیچیده‌تر شده است؛ روزنامه‌نگار یا منتقد تا کجا حق دارد به نام استقلال هر حکمی صادر کند؟

جواد مجابی: در زمان جدیدم گفته‌ام ما حق نداریم هر مزخرفی را بگوییم به خاطر اینکه قلم دست ماست. ما در دوران کاری‌مان حکم‌هایی دادیم که اکنون باید بگویم اشتباه کردیم. مثلا نوشتیم که غزل و قصیده دیگر نمی‌تواند برای شعر ایران کاری بکند. این‌طور نیست. بعدها دیدیم این‌گونه نبود. آخر ما چه صلاحیتی داریم که چنین حرفی بزنیم و حکم صادر کنیم.

ک گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

آکهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره RND-0505113-MA
تحت عنوان EXPANDER

نفت امام خمینی(ره) سازند در نظر دارد خدمات موضوع صدراالشاره را از طریق مناقصه عمومی مطابق اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. شرکت های متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) سازند به آدرس **WWW.IKORC.IR** مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :
الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مقدار	زمان تحویل کالا	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)
۱	RNP-0505113-MA	EXPANDER	۲۷قلم	۸ ماه پس از شروع قرارداد	۲,۰۶۳,۰۰۰,۰۰۰

ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی / چک بین بانکی / واریز وجه نقد
ج) مناقصه گزار در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
ز) اشخاص حقوقی واجد شرایط میتوانند ، جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه بر اساس تاریخ های مندرج بشرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و طبقه بندی شده بشرح مصرحه در فرم ارزیابی کیفی در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آکهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکتهای واجد شرایط بایدن شده جهت ادامه فرایند مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

۳) مهلت ارسال تقاضا(اعلام آمادگی) و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:
۱-۲) مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی : از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ لغایت روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
۲-۲) آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی : روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۱
۳-۲) تاریخ گشایش پاکات اسناد مناقصه متعاقبا اعلام می گردد.
۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند واقع دراستان مرکزی-اراک-کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی- طبقه سوم- معاونت بازرگانی شماره تلفن ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۶ یا ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۱
شماره نمابر ۰۸۶-۳۴۱۶۶۴۴۳ و ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۱۳

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند

آکهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره RND-0518009-MA
تحت عنوان تست پمپ هیدرواستاتیک

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) سازند در نظر دارد خدمات موضوع صدراالشاره را از طریق مناقصه عمومی مطابق اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. شرکت های متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) سازند به آدرس **WWW.IKORC.IR** مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :
الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مقدار	زمان تحویل کالا	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)
۱	RND-0518009-MA	دستگاه تست پمپ هیدرواستاتیک	۵ دستگاه	۸ ماه پس از شروع قرارداد	۱,۳۶۳,۰۰۰,۰۰۰

ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی / چک بین بانکی / واریز وجه نقد
ج) مناقصه گزار در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
ز) اشخاص حقوقی واجد شرایط میتوانند ، جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه بر اساس تاریخ های مندرج بشرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و طبقه بندی شده بشرح مصرحه در فرم ارزیابی کیفی در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آکهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکتهای واجد شرایط بایدن شده جهت ادامه فرایند مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

۳) مهلت ارسال تقاضا(اعلام آمادگی) و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:
۱-۲) مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی : از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ لغایت روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
۲-۲) آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی : روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۱
۳-۲) تاریخ گشایش پاکات اسناد مناقصه متعاقبا اعلام می گردد.
۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند واقع دراستان مرکزی-اراک-کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی- طبقه سوم- معاونت بازرگانی شماره تلفن ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۶ یا ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۱
شماره نمابر ۰۸۶-۳۴۱۶۶۴۴۳ و ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۱۳

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند

آکهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره RND-0518009-MA
تحت عنوان تست پمپ هیدرواستاتیک

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) سازند در نظر دارد خدمات موضوع صدراالشاره را از طریق مناقصه عمومی مطابق اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. شرکت های متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) سازند به آدرس **WWW.IKORC.IR** مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :
الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مقدار	زمان تحویل کالا	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)
۱	RND-0518009-MA	دستگاه تست پمپ هیدرواستاتیک	۵ دستگاه	۸ ماه پس از شروع قرارداد	۱,۳۶۳,۰۰۰,۰۰۰

ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی / چک بین بانکی / واریز وجه نقد
ج) مناقصه گزار در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
ز) اشخاص حقوقی واجد شرایط میتوانند ، جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه بر اساس تاریخ های مندرج بشرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و طبقه بندی شده بشرح مصرحه در فرم ارزیابی کیفی در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آکهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکتهای واجد شرایط بایدن شده جهت ادامه فرایند مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

۳) مهلت ارسال تقاضا(اعلام آمادگی) و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:
۱-۲) مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی : از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ لغایت روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
۲-۲) آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی : روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۱
۳-۲) تاریخ گشایش پاکات اسناد مناقصه متعاقبا اعلام می گردد.
۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند واقع دراستان مرکزی-اراک-کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی- طبقه سوم- معاونت بازرگانی شماره تلفن ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۶ یا ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۱
شماره نمابر ۰۸۶-۳۴۱۶۶۴۴۳ و ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۱۳

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)سازند